

ساوه در گذر زمان (تحولات تاریخی شهر ساوه با اتکا به منابع مکتوب)

حسن کریمیان*

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

مریم رحیم‌نژاد

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۸۱ تا ۱۰۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۲۷؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۶/۰۶/۲۰

چکیده

ساوه یکی از شهرهای مشهور منطقه جبال در دوران اسلامی است که به دلیل قرارگیری در مسیر ارتباطی دارالخلافه بغداد به شمال شرق به عنوان منزلگاهی مهم ایفای نقش نموده است. موقعیت ویژه این شهر در پیوندگاه مهم‌ترین راه‌های کاروانی و نیز شرایط مساعد طبیعی موجب شده تا بتواند از تحولات تاریخی گذر نموده و در کانون توجه جغرافی‌نویسان و مورخان قرار گیرد. از آنجایی که بقایای شهر کهن ساوه و بافت تاریخی آن به دلیل توسعه شهر جدید دچار تغییر شده، بررسی این تغییرات ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در نوشتار حاضر، تلاش شده است تا با اتکا به منابع مکتوب تاریخی و همچنین گزارش سیاحانی که این شهر را مورد بازدید قرار داده‌اند، تحولات تاریخی آن مورد بحث قرار گیرد. بدیهی است یافته‌های پژوهش می‌تواند در بازیابی سازمان فضایی شهر و حفاظت از محدوده‌های تاریخی آن مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: شهرهای جبال، بافت تاریخی ساوه، شهرهای اسلامی، شهرهای ایران، سازمان فضایی شهر ساوه

* رایانامه‌ی نویسنده‌ی مسئول: hkarimi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

بی‌تردید مکتوبات تاریخی را می‌توان مطمئن‌ترین منابع در بازیابی سازمان فضایی شهرها به‌شمار آورد. این اسناد تاریخی به شکل مؤثری می‌توانند در تشخیص تحولات مرتبط با شکل‌گیری، رشد و توسعه، استمرار و یا انهدام شهر مورد استفاده واقع شوند. منابع تاریخی و متون جغرافیایی کهن، سرزمین‌های واقع در رشته‌کوه زاگرس و انشعابات آن را با عنوان «ایالت جبال» مشخص و ساوه را در این ایالت جای داده‌اند. به‌عنوان نمونه، ابن‌حوقل (فو ۳۸۰ ه‍.ق) تصویری از ایالت جبال ارائه داده که نام ساوه و آوه (آبه) در آن آمده است. هم‌زمان، ابن‌رُسته اصفهانی (فو بعد از ۲۹۰ ه‍.ق)، مؤلف ناشناس کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب (تألیف به ۳۷۲ ه‍.ق) و ابن‌فقیه همدانی (۳۴۰-۲۵۵ ه‍.ق) نیز ساوه را از شهرهای بسیار مهم ایالت جبال دانسته‌اند (ابن‌رسته، صص ۱۲۲-۱۲۱؛ حدودالعالم، صص ۱۴۰-۱۳۹؛ ابن‌فقیه همدانی، صص ۲۳، ۶۶-۶۵). مدتی بعد، مقدسی (۳۹۰-۳۳۴ ه‍.ق) در احسن التقاسیم، ایران را به هشت اقلیم تقسیم و ایالت جبال (عراق عجم) را در اقلیم چهارم جای داده و ساوه را نیز در این اقلیم آورده است (فقیهی، صص ۶۱۶-۶۰۶). احمد بن محمد جیهانی (نیمه نخست قرن چهارم هجری) هم ساوه را از جمله شهرهای ایالت جبال دانسته است^۱ (جیهانی، ص ۱۴۳). در تصویری که ابواسحق ابراهیم اصطخری (فو ۳۴۶ ه‍.ق) از ایالت جبال ارائه می‌دهد نیز نام ساوه و آوه (آبه) در مجاور هم قابل‌رؤیت است (اصطخری، ص ۵۶۵).

در نوشتار حاضر سعی شده تا ضمن بهره‌گیری از منابع تاریخی مشخص شود که این شهر در چه زمانی احداث و در چه دوره یا دوره‌هایی رونق داشته و ساختار فضایی آن چه دگرگونی‌هایی را تجربه کرده است؟ روش انجام این تحقیق کتابخانه‌ای و رویکرد آن تاریخی- فرهنگی است. هدف آن است تا با استفاده از منابع مکتوب معتبر اعم از نوشته‌های جغرافی‌نویسان قرون اولیه اسلامی، منابع تاریخی (محلّی و ملی)، گزارش‌های سیاحان و سفرنامه‌نویسان، نقشه‌های تاریخی و هر سند دیگر، تحولات تاریخی شهر ساوه مشخص شود.

۲. شکل‌یابی شهر (ساوه قبل از اسلام)

همانند بسیاری از شهرهای تاریخی ایران، درخصوص زمان دقیق شکل‌گیری شهر ساوه و تحولات آن در ادوار ماقبل اسلامی، نظریه‌های متفاوت، مبهم و افسانه‌گونه‌ای درج شده است. معلوم نیست به چه سبب در اکثر منابع مکتوب بنای ساوه به پادشاهان

پیشدادی ایران و به‌ویژه طهمورث دیوبند نسبت داده شده است (ذکایی ساوجی، بررسی نام ساوه در کتیبه یونانی پئوتینگریا، ص ۳۶؛ قمی، تاریخ قم، ۱۳۸۵، ص ۲۲۷؛ شیروانی، ص ۳۳۴؛ حکیم، ص ۸۶۴). بعضی از منابع تاریخی نیز زمان احداث این شهر را بعد از خشک شدن دریاچه‌ای می‌دانند که در آن مکان بوده و مقارن با ولادت پیامبر اسلام (ص) خشک شده و بدین سبب از معجزات نبوت است^۲ (مستوفی قزوینی، نزهةالقلوب، ص ۶۲؛ ابن عبدالرحمان، ج ۲، ص ۱۵۰؛ اعتمادالسلطنه، تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم، ص ۱۷۰؛ اذکائی، ص ۲۴).

به‌هرروی، مینورسکی به نقل از «ویلهم توماشیک» و با استفاده از لوحه موسوم به پئوتینگریا^۳، آورده که شهر «ساوه» در ازمنه پیش از اسلامی وجود داشته است. به‌گفته توماشیک، ساوه همان سیوسینا (Sevacina) یا سیواکئنه (Sevakina) است که در لوحه پئوتینگریا آمده است. او نام ساوه را با واژه اوستایی ساوا (Sava) و پهلوی (Savaka) به‌معنای سودمند و مفید مرتبط می‌داند^۴ (مینورسکی، ص ۲۴؛ Tomaschek, pp. 15-16).

درخصوص ساوه در دوران ساسانی نیز اطلاعات اندکی در دست است. حسن بن محمد قمی به نقل از کتاب سیرالملوک عجم آورده است که چون بهرام گور به‌جانب بلاد ارمنیه می‌رفت، در دیه ساوه آتشکده‌ای بنا نهاد و آتش در آن برافروخت (قمی، تاریخ قم، ۱۳۶۱، صص ۲۲-۲۳). وی همچنین به برخی از آتشکده‌های شهر قدیمی ساوه و در اطراف این سرزمین اشاره کرده است (همان، ص ۲۳). مؤلف کتاب گنجینه آثار قم، فیض نیز با استناد به شواهد معماری برجای‌مانده از یک آتشکده در ضلع جنوبی مسجد جامع ساوه، قدمت آن را به عصر ساسانیان می‌رساند (فیض، ج ۲، ص ۱۱۲)؛ مطلبی که مورد مخالفت محمدکریم پیرنیا قرار گرفته است (پیرنیا و افسر، صص ۱۴۱ و ۱۴۴).

بی‌تردید نوشته‌های طبری را می‌توان محکم‌ترین سند تاریخی دانست که بر وجود شهر ساوه به روزگار ساسانیان گواهی می‌دهد. بنابر نوشته طبری، فتح همدان و سقوط ساوه به‌دست مسلمانان به‌سال ۲۲ هج و در زمان خلافت خلیفه دوم رخ داده است^۵ (طبری، ج ۱، صص ۵۲۳-۵۲۲).

با وجود ضعف منابع مکتوب، شواهد باستان‌شناسانه پیشینه‌ی استقرار در دشت ساوه را به قبل از پیدایش خط می‌رساند (خطیب‌شهیدی، ص ۱۱). همچنین، قلعه باستانی «قیزقلعه» در ۲۳ کیلومتری جنوب غربی ساوه را می‌توان از جمله آثار شاخص عصر ساسانی (ذکایی ساوجی، پژوهشی درباره سابقه تاریخی و معماری بنای قلعه‌دختر ساوه، ج ۲، صص ۵۳۳-۵۳۴) به‌شمار آورد (تصویر ۱).



تصویر ۱: بنای ساسانی قیز قلعه (نیرومند، ۲۰۰۸)

۳. توسعه ساوه در دوران اسلامی

۱.۳. ساوه از سقوط ساسانیان تا قرن هفتم هجری

آنچنان که منابع تاریخی حکایت دارند، چون همدان به دست مسلمانان افتاد، ساکنان این شهر به طرف ساوه گریختند: «...نُعَیم بن مُقَرَّن به همدان اندر شد با سپاه شهر بگرفت و از پس هزیمتیان سپاه تا به ساوه فرستاد به سه منزل از ری و از همدان تا ری شش منزل است» (بلعمی، ص ۳۳۱).

«...چون سپاه از ساوه بازگشتند نُعَیم به همدان غنیمت را قسمت کرد و خمس غنیمت با فتح نامه به عمر فرستاد...» (طبری، ج ۱، ص ۵۲۲).

در سنه ۳۹ هجری معاویه، زهیر بن مکحول عامری را برای اخذ صدقات به ساوه فرستاد (اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۱، ص ۷۰). بیشترین آگاهی‌های ما درباره شهر ساوه به قرن دوم هجری به بعد مرتبط است. بیمارشدن حضرت معصومه^(س) در ساوه به هنگام سفر به خراسان، مرگ نصر بن سیار^۶ و مرگ شاعره لیلی^۷ الأخیلیه^۷ نیز در شمار نخستین رویدادهای قرون اولیه اسلامی در این شهر است (عبدالله گروسی، ج ۵، ص ۴۸۷؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱۹).

اطلاعات دیگر تاریخی به همکاری ساکنان آبادی‌های ساوه با جنبش سپاه جامگان به رهبری ابومسلم خراسانی در مقابل ابوليث نصر بن سیار^۸ مرتبط است (سیفی فمی تفرشی، ص ۱۱۷). آن گونه که سیفی فمی تفرشی آورده است، ساوه در اواخر دوره بنی امیه و اوایل دوره عباسی رو به آبادانی نهاده بود^۹ و زمین‌های دشت ساوه در شمار «زمین‌های خاصه»^{۱۰} درآمد و یا به صورت «اقطاع»^{۱۱} به عرب‌های مسلمان واگذار می‌شد (همان، صص ۷-۸).

موقعیت ارتباطی ساوه هم‌زمان به آن ارزش نظامی و تجاری می‌بخشید و رباط‌های آن پیوسته مملو از مسافران، زوار، حجاج و مأموران سیاسی بود (همان، ص ۱۱۷).

منابع تاریخی همچنین از کاروان‌داری و پرورش شتر و حیوانات بارکش، به‌عنوان یکی از امتیازهای ساکنان شهر ساوه در این زمان یاد می‌کنند و آورده‌اند که ساوجیان تا ماوراءالنهر برای حمل حجاج به مکه در رفت‌وآمد بوده‌اند (ابن حوقل، ص ۱۰۳؛ ابوالفداء، ص ۴۸۵؛ حدودالعالم، ص ۱۴۲).

از جمله حوادث این دوران، وفات سیبویه^{۱۲} از عالمان علم نحو و همچنین طلحة بن طاهر در ساوه است: «...طلحة بن طاهر از پدر به حکومت رسیده، وی در بلده ساوه در شهر سنه اربع عشر و مائتین (۲۱۴ هـ) فوت شد» (غفاری قزوینی، ص ۵۵).

از سده سوم هجری - قمری به بعد، با زوال حاکمیت عباسیان در بغداد، نوعی زمین‌داری به نام اقطاع، رواج پیدا کرد و امیران ترکی که زندگی ایللیاتی داشتند در نواحی ساوه استقرار یافتند (سیفی فمی تفرشی، ص ۵۴).

در قرن چهارم مردمان ساوه نیز مانند ساکنان سایر سرزمین‌های مفتوحه اسلامی با پرداخت خراج به حاکمان عباسی، ایام سپری می‌کردند. در کتاب تاریخ قم (۳۷۸ هـ)، ضمن آنکه ساوه از رساتیق قم ذکر شده، مقدار خراجی که پرداخته می‌شده، ۵۵۴۲۱۵ درهم و ثلث یا ۵۹۱۵۰۳ درهم دانسته شده است (قمی، تاریخ قم، ۱۳۶۱، ص ۱۳۴).

این منابع همچنین آورده‌اند که چون رکن‌الدوله دیلمی به هنگام بیماری (۳۶۶ هـ) کشور را میان فرزنداناش تقسیم نمود؛ «...طبرستان و ری و همدان و قزوین و ابهر و زنجان و ساوه و آوه و قسمتی از کردستان را به فخرالدوله داد» (کریمان، بخش نخستین، ص ۳۲۰؛ مستوفی قزوینی، تاریخ گزیده، ص ۴۱۲).

با وجود آنکه شهر ساوه به روزگار آل‌بویه یکی از ضرابخانه‌های حکومتی بوده (سرفراز و آورزمانی، ص ۱۹۷)، با حمله و غارت سلطان محمود غزنوی، نخستین آسیب جدی بر آن وارد شد (فقیهی، صص ۲۱۳ و ۳۱۲؛ میرخواند، ص ۶۰۱؛ اشپولر، ج ۱، ص ۲۱۱).

به روزگار سلجوقیان، آبادانی شهر ساوه به اوج خود رسیده^{۱۳} و این شهر به مقرّ سلاجقه^{۱۴} و سران قبایل متحد سلجوقی (اتابکان)^{۱۵} تبدیل شده بود (امیرحسینی، ص ۷۹). بسیاری از وزرای سلجوقی و خوارزمشاهی ساوجی بوده‌اند و هرکدام به‌نوبه خود به آبادی و ایجاد بناهای شهری افزوده‌اند (عبدالله گروسی، ج ۵، ص ۴۸۹). از جمله حوادث عصر سلاجقه در ساوه که قزوینی به نقل از ابونصر میمندی آن‌را آورده، احداث پلی عجیب با هفتاد طاق به امر امیراتابک شیرگیر (بین سال‌های ۵۲۵ لغایت ۵۲۹ هـ در ساوه عصر سلاجقه)

بر روی رود بزرگ گاوماها - که از بین ساوه و آوه عبور می‌کرد- می‌باشد^{۱۶}. همچنین است، سنگ‌فرش جاده‌ای به طول دو فرسنگ در زمین پر گل‌ولای حدّ فاصل این پل و شهر ساوه (الویری، ص ۷۹؛ قزوینی، ص ۳۴۲).

در اکثر وقایع و رویدادهای تاریخی مرتبط با ساوه در دوره سلجوقیان، به اهمیت ارتباطی این شهر اشاره شده است (نیشابوری، صص ۳۵، ۷۶، ۷۸؛ راوندی، ص ۲۹۷). این شهر به روزگار سلجوقیان گاهی محل اقامت شاهان و شاهزادگان و امرا و منزلگاه سپاهیان نیز بوده است (حسینی، صص ۱۷۵ و ۲۱۰-۲۰۹). به‌نظر می‌رسد در ساوه بناهای شاهانه‌ای معروف به «سرای دیلمان» و «کوشک سلطانی» نیز به‌عنوان اقامتگاه شاهان سلجوقی در نظر گرفته شده بود (فضل‌الله همدانی، ص ۹۰؛ نیشابوری، ص ۶۴).

آن‌گونه که محمدیوسف کیانی^{۱۷} آورده است، ساوه در این دوره از مراکز مهم و فعال تولید سفال نیز بوده است (کیانی، پیشینه سفال و سفالگری در ایران، ص ۳۴؛ کریمی و کیانی، ص ۴۸). اریک فردریش اشمیت (Erich Friedrich Schmidt)، نیز ساوه را از مراکز مهم سفالگری دانسته (ص ۷۶) و با ارجاع به عکس هوایی سال ۱۳۱۵ که مسجد جامع ساوه را محصورشده در میان گودال‌های کاوش‌های غیرمجاز نشان می‌دهد (تصویر ۲)، در پی اثبات آن است که خاک ساوه آثار زیادی را در خود داشته است (همان، ص ۹۳).



تصویر ۲: مسجد جامع ساوه، محصور در میان گودال‌های حفر شده توسط کاوشگران غیرمجاز - عکس هوایی سال ۱۳۱۵ (اشمیت، ص ۹۳)

اگرچه در زمان سلجوقیان ضرابخانه‌ها محدود و متمرکز شدند، از جمله ضرابخانه‌های فعال این دوره، شهر ساوه بود (سرفراز و آورزمانی، ص ۲۱۰).

در روزگار خوارزمشاهیان نیز ساوجیان مشاغل عمده دیوانی دولت خوارزمشاهی را عهده‌دار بوده‌اند. عمادالملک ساوجی وزیر با تدبیر و دانشمند سلطان محمد و سلطان

جلال‌الدین خوارزمشاهی از آن جمله است که در جریان حمله مغول جان خود را از دست داد (عبدالله گروسی، ج ۵، ص ۴۸۹؛ زنده‌دل و دیگران، ص ۲۹).

۲.۳. ساوه از قرن هفتم تا دهم هجری

آن‌چنان‌که منابع تاریخی گزارش می‌دهند، متعاقب حمله مغولان، دوران درخشان ساوه نیز به اتمام رسید. در ۶۱۷ هـ.ق، آنان شهر را به کلی تخریب و ساکنین را قتل‌عام کردند (لسترنج، صص ۲۲۹-۲۲۸؛ قزوینی، ص ۴۵۶). یاقوت حموی پس از تخریب ساوه به دست مغول به سال ۶۱۷ هـ.ق، به دارالکتب بزرگ و بسیار مهم شهر ساوه اشاره می‌کند: «... که در سراسر گیتی از آن بزرگ‌تر نبود، ... آن‌را سوزاندند» (حموی، ج ثالث، ص ۱۷۹).

به روزگار ایلخانان، ساوجیان همچنان در مناصب دیوانی ایلخانی به خدمت درآمدند^{۱۸}. از بزرگان این دوره، امیر نظام‌الدین یحیی ساوجی و خواجه سعدالدین ساوجی، وزیر هنرپرور غازان‌خان^{۱۹} بوده‌اند. به امر خواجه ظهیرالدین ساوجی، دیگر وزیر دوره ایلخانی، در حدود ۸۲۰۰ ذرع حصار و باروی شهر ساوه را که خراب شده بود، تعمیر می‌شود^{۲۰}. خواجه شمس‌الدین ساوجی پسر خواجه ظهیرالدین با گسترش باروی شهر به دور روستای رودآبان به طول تقریبی ۴۰۰۰ ذرع مساحت شهر ساوه را در قرن هفتم هجری به حدود ۳۰۰ هکتار وسعت می‌دهد (عبدالله گروسی، ج ۵، ص ۴۹۰؛ مستوفی قزوینی، نزهةالقلوب، ص ۶۲). او همچنین به توسعه ساوه از ناحیه شمال همت گماشت و ده چشمه آب پدید آورد و در شهر جاری ساخت و مسجد بزرگی در جانب غربی بلده بنا کرد. بعدها، در جوار این مسجد مقبره‌ای بسیار با شکوه ساخته شد که «...مدفن برخورداریک، خداوند توپخانه ایران است...» (شاردن، ج ۳، صص ۵۳-۵۱).

همچنین به روزگار ایلخانان با احداث یا تجدید ساختمانی سد قره‌چای، کشاورزی منطقه احیا و اقتصاد شهر رونق مجدد یافت. پطروشفسکی به نقل از مستوفی قزوینی می‌نویسد: «صاحب دیوان شمس‌الدین محمد جوینی (مقتول ۶۸۳ هـ.ق / ۱۲۸۴ م.) سد بزرگی بر رودخانه گاو‌ماسای نزدیک ساوه بست» (ج ۵، ص ۴۷۸).

از امتیازات ساوه در عصر ایلخانان آن بود که در آنجا و آوه هر دو ضرابخانه استقرار داشتند (سرفراز و آورزمانی، ص ۲۱۷). از ابوسعید (۷۱۶ تا ۷۳۶ هـ.ق) نیز سکه‌هایی به دست آمده که ضرب ساوه می‌باشد (مشکوتی، ص ۴۱۰).

در دوره تیموری همچنان در ساوه سکه ضرب می‌شد و از شاهرخ تیموری سکه‌هایی با ضرب ساوه به دست آمده است (سرفراز و آورزمانی، صص ۲۳۰ و ۲۳۲). با آنچه بر شهر ساوه گذشت، در قرن نهم هجری - قمری دیگر رمقی برای آن باقی نمانده بود^{۲۱}. مع‌الوصف،

آن چنان که کنتارینی، سفیر ونیز به دربار اوزون حسن، توصیف می کند ساکنان شهر با دلگرمی به زندگی خود ادامه می دادند و قلب اقتصادی (بازار) شهر کماکان فعال بود: «...در چهار اکتبر ۱۴۷۴ م. (۸۷۹ هق) به شهری رسیدیم به نام ساوه که بی حصار بود؛ اما مانند معمول بازار داشت. در دشتی نزدیک رودخانه و در میان درختان (باغات) قرار دارد» (کنتارینی، ص ۳۷). فرستاده دیگر دولت ونیز به دربار آق قویونلوها، ساوه را چنین دیده است: «...ساوه قریب هزار خانه دارد. در همه این شهر پیشه مردم کشاورزی و پارچه بافی است» (باربارو، ص ۹۱). در قرن نهم و دهم هجری، ساوه محل رشدونمو شخصیت‌هایی چون قاضی مسیح‌الدین عیسی مشهور به مسیح ساوه‌ای^{۲۲} یا مولانا ظریفی مشهور به ظریفی ساوجی^{۲۳} بود که در معرفی و شهرت این شهر نقش مهمی داشته‌اند (رازی، ج ۲، صص ۱۱۰۵ و ۱۱۰۹).

۳.۳. از قرن دهم هجری تا پهلوی اول

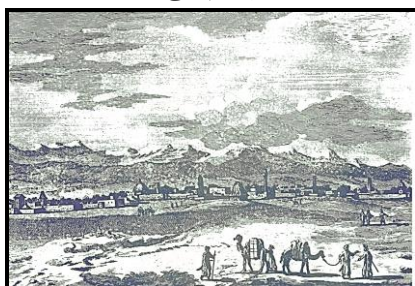
با ظهور صفویان (۱۱۳۵-۹۰۷ هق)، بار دیگر بلوکات ساوه به‌عنوان مکانی مناسب برای استقرار ایلات تحت امر حکمرانان (قزلباش‌ها، شاهسون‌ها و ایل بیات) مورد توجه قرار گرفت^{۲۴} (زنده‌دل و دیگران، صص ۳۰-۲۹). در این دوره، شهر ساوه نه تنها از نظر ارتباطی اهمیت یافت، بلکه همچنان شکارگاه پادشاه^{۲۵} و منزلگاه سپاهیان نیز بوده است^{۲۶}. ساوه در عصر صفویان نیز به‌عنوان اقطاع یا تیول از سوی پادشاهان به افراد مهم حکومتی واگذار شد. به‌عنوان نمونه، به‌سال ۱۰۰۶ هق شاه‌عباس اول فرمان داد تا ساوه را به‌اقطاع به جهانگیر والی نور تحویل دهند (کریمان، بخش نخستین، ص ۴۰۹). همچنین، از آنجایی که معمول بود تا عواید حاصل از املاک خاصه^{۲۷} صرف مخارج قصر شاهان و همچنین حقوق صاحب‌منصبان و لشکریان شود، به‌سال ۱۶۸۴ م. / ۱۰۹۵ هق شاه در بودجه دربار شاهنشاهی بزرگ‌ترین رقم درآمد را به این املاک متعلق نمود که خود فشار مضاعف اقتصادی بر ساکنان شهر ساوه را سبب می‌شد (کمپفر، ص ۱۱۱). در تذکره‌الملوک، نقش ساوه و آوه از درآمد عمومی مملکت ۱۳۰۹ تومان و ۲۰۹۳ دینار (باستانی پاریزی، ص ۱۹۶) و ملازمان آن ۲۵۰ نفر بوده است (میرزا سمیعا، بخش ۱، ص ۸۴). تعمیر مسجد جامع ساوه^{۲۸} و احداث ایوان جنوبی آن^{۲۹} به امر و حمایت شاهان صفوی در نیمه اول قرن ۱۰ هق را نیز می‌توان از نشانه‌های توجه صفوی‌ها به این شهر به‌حساب آورد. افزون‌بر آن، مسجد میدان ساوه^{۳۰} در زمان شاه اسماعیل اول در ۹۱۴ هق (مطابق با تاریخ کتیبه سردر) به امر خواجه شمس‌الدین^{۳۱} بازسازی و بنا شده است (پوپ، ج ۳، ص ۱۳۶۵؛ امینی هروی، ص ۳۹۵).

امتیاز ارتباطی شهر ساوه سبب می‌شد تا این شهر در راهبرد ملی صفویان^{۳۲} جایگاه ویژه‌ای را نصیب خود سازد. بدین سبب بار دیگر به روزگار شاه‌عباس اول رو به آبادانی گذاشت و کاروانسراها، راه‌ها، رباط‌های میان‌راهی، مساجد، بازار سرپوشیده و بناهای متعددی در آن احداث شد (ابراهیمی شیرکوهی، ص ۸۷). به سال ۱۰۱۵ هـ ق ساوه حاکم‌نشین بود و به امر شاه به شرعیات و وقفیات آن از طریق صدارت کل موقوفات «صدارت عام» رسیدگی می‌شد (میشائیل، صص ۱۷۶-۱۷۵). دن گارسیا دسیلوا فیگوئرا که در سال‌های ۱۶۱۷-۱۶۱۹ م. / ۱۰۲۸-۱۰۲۶ هـ ق^{۳۳}، از شهرهای ایران بازدید کرده است نیز شهر ساوه را بسیار کوچک توصیف نموده که کمتر از ۶۰۰ خانه بدساخت دارد (دسیلوا فیگوئرا، ص ۲۵۸).

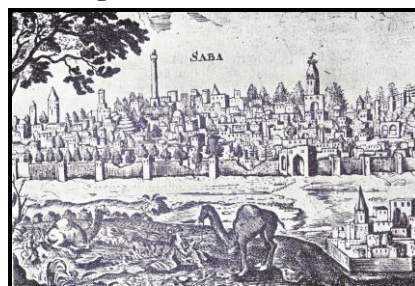
پیترو دل‌واله (Pietro Della Valle) که به مدت شش سال در حدفاصل سال‌های ۱۶۲۳-۱۶۱۷ م. / ۱۰۳۲-۱۰۲۶ هـ ق در ایران اقامت گزید و در چندین سفر نیز از ملازمان شاه‌عباس بود، در مورد ساوه چنین آورده است:

«...و شب به شهر کوچکی به نام ساوه رسیدیم. روز شنبه به رودخانه‌ای برخورد کردیم و چون پل آن خراب شده بود به آب زدیم و پس از پنج فرسنگ به کاروانسرای که آن هم در محل دورافتاده‌ای بنا شده و گوهرآباد خوانده می‌شد رسیدیم، ولی این کاروانسرا واقعاً شایسته چنین نامی نبود» (دل‌واله، ص ۴۳۵).

آدام التاریوس^{۳۴} که در سفرش از اردبیل به اصفهان در اوایل اوت ۱۶۳۷ م. از شهر ساوه نیز دیدن کرده، آن را دارای بارو، برج‌ها، مناره‌ها و... توصیف کرده که خانه‌های فرسوده و به‌سان خرابه داشته است (ص ۱۶۱). التاریوس و براون دو طرح از شهر ساوه ارائه داده‌اند که در قسمت جلویی آن‌ها دو شتر با ساربان‌ها به چشم می‌خورد (تصاویر ۳ و ۴).



تصویر ۴: منظره عمومی شهر ساوه در طرح براون و اهمیت آن از نظر شتربانی (کیانی، سیمای شهرهای ایران از دید جهانگردان، ص ۴۱۵)



تصویر ۳: طرح آدام التاریوس از دورنمای شهر ساوه در دوره صفوی (کیانی، سیمای شهرهای ایران از دید جهانگردان، ص ۴۱۶)

ژان شاردن (Jean Chardin)، مشاهدات خود را از ساوه چنین نگاشته است: «...محیط این بلده بالغ بر دو میل است و دورتا دور آن را دیواری کشیده‌اند ولی به هیچ وجه کثیرالنفوس نمی‌باشد، به طوری که به استثنای مرکز شهر، بقیه محله‌ها مخروبه و غیرمسکون است...» (ج ۳، صص ۵۳-۵۱).

منابع مکتوب همچنین مطالبی در رابطه با وضعیت اصناف و به ویژه صنعتگران ساوه‌ای در عصر صفویه ارائه می‌دهند. آن گونه که راجر سیوری آورده است، ساوه نیز، نظیر کاشان، اصفهان و یزد^{۳۵}، یکی از مراکز بافت منسوجات و قالی در عصر صفویه بوده (سیوری، ص ۱۳۷) و در کارگاه‌های آن انواع پارچه‌ها و فرش‌ها بافته می‌شده است (میراحمدی، ص ۲۴۱) که پارچه‌های آن به نرمی و دقت در بافت و تناسب رنگ‌ها و زیبایی معروف بوده است (تاجبخش، ج ۲، ص ۱۷۵). دون خوئان ایرانی^{۳۶} در ۱۵۹۹ م. / ۱۰۰۷ هـ ق^{۳۷} ساوه را نیز در ردیف مراکز تولید ابریشم می‌نویسد و سایر منابع ساوه را از مهم‌ترین شهرهای صادرکننده پوست بره فلغل‌نمکی‌رنگ و گوسفند قره‌گل^{۳۸} می‌دانند (اشپوهلر، ص ۳۹۷؛ باستانی پاریزی، صص ۱۲۸-۱۲۶؛ تاورنیه، ص ۸۱).

استمرار رونق ضرابخانه‌های شهر ساوه در عصر صفویان نیز گواهی بر جایگاه مهم سیاسی این شهر است (سرفراز و آورزمانی، ص ۲۴۸؛ تاجبخش، ج ۲، ص ۱۴۷). این شهر به سال ۱۰۵۱ هـ ق^{۳۹} در حادثه سرازیر شدن سیل از رودخانه و فرقان به داخل مسجد جامع چنان آسیب دید که بعضی از منابع آن را شهری ویران شده نامیدند^{۴۰}. جملی کارری و کشیشان ژزوئیت فرانسوی^{۴۱} نیز در ۱۷۱۱ م. / ۱۱۲۳ هـ ق^{۴۲} درباره وضع نابه‌سامان ساوه در سفرنامه خود توضیحاتی آورده‌اند (ص ۵۱؛ صص ۷۳-۷۲).

در فاصله پایان دوران صفویه تا قاجاریه، شهر ساوه در تسلط حکام وابسته به ایل‌های پرنفوذ ناحیه مانند خلج‌ها قرار گرفت (ابراهیمی شیرکوهی، ص ۸۷). به روزگار زندیه، ساوه همچنان از لحاظ ارتباطی نقش خود را حفظ نموده بود. با پایتخت شدن تهران از اهمیت این شهر کاسته شد (زنده‌دل، ص ۴۱۹) و از میانه دوره قاجاریه مهاجرت شهروندان ساوه‌ای به تهران (دارالخلافه) آغاز گردید. به طوری که بر اساس توصیف کنت دوسرسی، سفیر فرانسه در ایران، جمعیت شهر در ۱۸۴۰ م. / ۱۲۵۶ هـ ق به حدود ۲۵۰۰ نفر رسید (دوسرسی، ص ۱۶۴).

در دوره قاجار نیز سیاحانی از ساوه بازدید و وضعیت آن را تشریح نموده‌اند. از آن جمله می‌توان به سفرنامه گاسپار دروویل، سرهنگی فرانسوی که در سال‌های ۱۸۱۳-۱۸۱۲ م. / ۱۲۲۸-۱۲۲۷ هـ ق در استخدام ارتش ایران بود (ص ۳۴۹)، نوشته‌های اوژن فلاندن، نقاش و معمار و خاورشناس فرانسوی، که در سال‌های ۴۱-۱۸۴۰ م. به همراه

دیگر هموطن خود پاسکال کاست به ایران آمده (ص ۱۲۲) و خاطره‌های لیدی شیل، همسر کلنل شیل وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه ۱۸۴۹ م. / ۱۲۶۵ هق، (ص ۱۷۹) اشاره نمود.

همچنین است نوشته‌های سلطان محمد میرزا ملقب به سیف‌الدوله (از پسران فتحعلی شاه) و یادداشت‌های ناصرالدین‌شاه قاجار - که در طی دو سفر در بیستم جمادی‌الثانی ۱۲۸۷ هق و شوال ۱۳۰۹ هق، از طریق ساوه به عتبات عالیات، اطلاعاتی را درخصوص این شهر ثبت نموده است (سیف‌الدوله، صص ۲۸۰ و ۳۴۳؛ ناصرالدین‌شاه، سفرنامه عراق عجم، صص ۱۹ و ۱۵۱؛ قاضی‌ها، ص ۶۶). مطالب مندرج در سفرنامه دکتر فووریه، که به‌عنوان طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه، در این سفر همراه وی بود (فووریه، ص ۲۹۲) نیز شایان توجه‌اند. بی‌تردید، اطلاعاتی که مارسل و ژان دیولافوا^{۴۳} از ساوه ثبت نموده‌اند را می‌توان یکی از مفصل‌ترین گزارش‌های مرتبط با این شهر در دوره قاجار دانست:

«...به‌رحال چون به دروازه نزدیک شدیم فراشان زیادی را از دور دیدیم که روی زمین نشسته و تکیه به دیوار داده بودند... تنها بنایی که آبادی قدیمی شهر را به‌خاطر می‌آورد مسجد جمعه است. این مسجد... متروک شده و حتی روز جمعه هم در آن نماز خوانده نمی‌شود و...» (دیولافوا، صص ۱۹۸ و ۲۰۱).

شاید بتوان دوران حاکمیت امیرکبیر (۱۲۹۹-۱۲۹۳ هق) بر ساوه^{۴۴} را روزگار خوش مردمان این شهر به‌حساب آورد (اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۲۰۳۶). به‌سال ۱۳۰۵ هق یک افسر اتریشی به نام «تاوفنشتاین»، که در استخدام دولت ایران بود، حاکمیت این شهر را در دست گرفت (مینورسکی، ص ۲۶). آن‌چنان‌که دیولافوا آورده است: «...مدت شش‌ماه است که نایب‌السلطنه یک نفر اتریشی را به حکومت ساوه منصوب کرده است» (ص ۱۹۶).

در ۱۲۷۲ هق به‌واسطه بارشی سنگین، ۱۵۰ باب خانه اهالی ساوه ویران شد (اعتمادالسلطنه، مرآة‌البلدان، ج ۲، ص ۱۲۵۰؛ ج ۳، ص ۱۷۸۶). این آشفستگی که به‌تدریج به تخلیه شهر منجر می‌شد، جمعیت آن‌را به حدی کاهش داد که ابوت کنسول انگلستان در ۱۲۶۵ هق، خانه‌های ساوه را بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ باب و ساکنان آنجا را حدود ۱۰۰۰ تن برآورد کرده است (مینورسکی، ص ۲۵). عملکرد ساوه به‌عنوان بخشی از پایگاه قشون ایران در عصر قاجار (لرد کرزن، ج ۲، ص ۷۶۲؛ وهرام ص ۱۵۱) نیز نمی‌توانست بر تغییر چهره شهر و ترکیب جمعیتی آن تأثیرگذار باشد. بنابر توصیف دیولافوا در ۱۸۸۱ م. (دوره قاجار)، علاوه بر شهر ساوه، ۱۲۸ قصبه و قریه آن نیز اغلب خراب و تا حدودی خالی از سکنه

مانده بود (دیولافوا و دیگران، صص ۱۸۶-۱۸۵). با این همه، کشف معدن فیروزه در ساوه تا حدی بر شهرتش در عصر قاجار افزود. این معدن «...به اهتمام حاجی علی اکبر امین معادن پیدا شده که فیروزه آن در کمال صفا است» (اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۸۵).

با حاکمیت پهلوی اول و تمرکز توجه حکام به تهران، بر بی رونقی شهر ساوه افزوده شد و ایجاد خیابان‌های عمود بر هم، بافت تاریخی شهر را دچار گسیختگی گردانید. با این همه، بخش‌هایی از این بافت باقی مانده و خوشبختانه در برنامه‌های حفاظتی سازمان میراث فرهنگی کشور قرار دارد.

۴. نتیجه

اینک، با اتکا به اطلاعات مورد بحث، می‌توان به پرسشی که در مقدمه نوشتار حاضر در خصوص زمان احداث شهر ساوه و روند تحولات آن مطرح بوده پاسخ گفت. اگرچه از تاریخ احداث شهر ساوه نمی‌توان به یقین سخن گفت، لیکن بی تردید فتح این شهر در سال ۲۲ هجری توسط سپاهیان اسلام را می‌توان به عنوان شاهدهی محکم بر آباد بودن آن در عصر ساسانی به شمار آورد. منابع تاریخی همچنین بر رونق و وسعت شهر ساوه در قرون اولیه اسلامی گواهی و آن را یک بلده اسلامی نامیده‌اند. اطلاعات تاریخی ساوه بیشتر مربوط به قرن چهارم هجری است. نتایج پژوهش حاضر روشن ساخت که در این دوره رونق شهر ساوه به دلیل نزدیکی آن به ری (پایتخت آل بویه) بیشتر شد و در دوره سلجوقیان به اوج خود رسید. این اهمیت تا پایان دوره خوارزمشاهی نیز ادامه یافت و ساوه شهری بالنسبه مهم تلقی می‌شد؛ به گونه‌ای که بسیاری از وزیران حکومتی این دوره ساوجی بوده‌اند. با توجه به مندرجات یاقوت حموی و زکریای قزوینی^{۴۵}، روزگار سلجوقی دوره اوج رونق شهر بوده و مسجد جامع و کتابخانه آن معروف بوده است. اگرچه در حمله مغولان (۶۱۷ هجری) ساوه تخریب و با خاک یکسان شده و حتی کتابخانه آن به آتش کشیده می‌شود، در دوره ایلخانان، اقداماتی به جهت جبران خرابی‌های شهر انجام^{۴۶} ولی هیچ‌گاه به رونق گذشته خود نمی‌رسد. بعد از دوره ایلخانی، شهر در کشمکش و درگیری‌های دوره تیموری و سپس سران آق‌قویونلو و قراقویونلو دچار صدمات زیادی می‌شود، به شکلی که اغلب منابع تاریخی آن را شهری بدون حصار توصیف نموده‌اند. آدام الثاریوس (۱۶۳۸-۱۶۳۷ م.) در توصیف شهر ساوه به روزگار صفویه آن را در سلامت ذکر کرده است. همچنین مستند به توصیفات دیولافوا^{۴۷} (۱۸۸۱ م.) می‌توان دریافت که

شهر تا مدتی پس از صفویان دارای حصار و دروازه بوده و از گفته‌های اعتمادالسلطنه^{۴۸} می‌توان این‌گونه استنباط کرد که بعد از مدت‌زمانی حصار تخریب شده و شهر به خارج از حصار و جانب غرب و شمال غرب گسترش یافته است. مع‌الوصف، اطلاعات تاریخی دلالت دارند که با سقوط صفویان و حاکمیت هرج و مرج و جنگ، بار دیگر دوره فترت و انحطاط به ساوه بازگشته است. در دوره قاجار همراه با ضعف اقتصادی کشور، این شهر نیز از رونق افتاد و به گفته یک مسافر اروپایی جمعیت آن به کمتر از ۲۵۰۰ نفر رسید. در اوایل دوره پهلوی، به دلیل عبور راه اصلی مواصلاتی تهران- همدان از دشت زرنند و نوبران (یعنی خارج از دشت ساوه)، ساوه تنها با اتکا به خدمات کشاورزی استمرار حیات می‌یابد. از طرف دیگر، با احداث خیابان‌های جدید و تداوم آن در دوره پهلوی چهره شهر تا حد زیادی دگرگون می‌شود و پس از آن این دگرگونی‌ها همچنان استمرار یافته است.

پی‌نوشت

۱. عین عبارت جیهانی چنین است: «...در جمله شهرهای جبال دریا و کوال نیست و بیشتر کوهستان است مگر آنچه میان همدان است تا ری و قم که بدانجا کوه کمتر است چون ساوه» (جیهانی، ص ۱۴۳).
۲. مستوفی قزوینی در این خصوص آورده است: «...ساوه از اقلیم چهارم است و شهرکی اسلامی... در اول در آن زمین بحیره بوده است. در شب ولادت رسول^(ص) آب آن بحیره به زمین فرو شد و آن از مبشرات بود و بر آن زمین شهری ساختند...». (مستوفی قزوینی، نزهةالقلوب، ص ۶۲) همچنین ابن‌عبدالرحمان می‌نویسد: «...ساوه مدینه‌ایست طیبه ... و در زمان قدیم بر کنار دریاچه بود که آبش خشک شده در وقت ولادت حضرت پیغمبر^(ص)...» (ابن‌عبدالرحمان، ج ۲، ص ۱۵۰).
۳. این لوح که ویلهلم توماشک اتریشی در کتاب جغرافیای تاریخی ایران آن را معرفی کرده است، به یونانی نوشته شده و مربوط به دوره سلوکی یعنی از زمان آنتیوخوس سوم (۲۲۳-۱۸۷ هـ ق) است (ذکایی ساوجی، بررسی نام ساوه در کتیبه یونانی پئوتینگرایا، ص ۳۶؛ افشار سیستانی، ص ۳۸۴).
۴. ویلهلم توماشک، عبارت‌های آن را در فصل سوم کتاب خود با عنوان از همدان تا کاشان برشمرده است: «از اکباتانیس (هگمتان= همدان) به اناروس (دهکده اناردان)، از آنجا به سواکینه (ساوه) و از آنجا به ترمنتیکا (قم)، از آنجا به اورودیکاری و منزل‌های بعدی راه کاشان...» (افشار سیستانی، ص ۳۸۴؛ Tomaschek, p. 15).
۵. طبری آورده است: «چون نَعیم با مسلمانان از در ساوه بگذشت و به یک منزلی ری آمد...» (طبری، ج ۱، ص ۵۲۴).
۶. در منابع تاریخی می‌خوانیم: «...ابواللیث نصر بن سیار لیثی، والی خراسان از طرف هشام بن عبدالملک بود و ده سال آنجا حکومت کرد... در ساوه در گذشت و این در ربیع‌الاول سال ۱۳۱ هـ ق بود» (ابن‌طقطقی، ص ۱۹۳؛ میرخواند، ص ۴۲۷). یعقوبی نیز آورده است: «...نصر بن سیار در قریه‌ای بنام

- ساوه بمرد» (ج ۲، ص ۳۱۹) گردیزی هم این مطلب را تأیید می‌کند: «... نصر در ساوه بین ری و همدان در سنه ۱۳۱ هجری بمرد» (صص ۲۵۹ و ۲۶۴).
۷. بلاذری ضمن بیان رویدادی قبل از سال ۹۵ هجری، ساوه را مدفن یکی از شاعران مشهور عرب می‌داند (ص ۱۳۴).
۸. گماشته هشام بن عبدالملک بر خراسان.
۹. سیفی فمی تفرشی، دلیل آن را با احتمال قوی وجود ساربانان ساوه‌ای می‌داند که با همکاری رؤسای عرب مسلمان کار حمل و نقل حجاج بیت‌الله‌الحرام را به‌عهده گرفته‌اند (ص ۱۱۷).
۱۰. وقتی ناحیه‌ای را خاصه می‌گفتند که در آنجا «ارباب قلم» به حکومت منصوب می‌شدند (امیرحسینی، ص ۶۷).
۱۱. یک شیوه زمین‌داری است که بیشتر در دوره سلاطین سلجوقی رواج داشت (سیفی فمی تفرشی، ص ۵۴).
۱۲. ابوبشر سیوییه یکی از عالمان علم نحو، در ۳۲ سالگی به سال ۱۸۰ یا ۱۸۴ یا سال ۱۹۴ هجری وفات یافت و بعضی نیز سال وفات وی را ۱۶۱ و ۱۸۸ هجری نوشته‌اند (النرخسی، ص ۱۴۳). «...ابن‌الجوزی گوید وی در ساوه در سال ۱۹۴ درگذشت» (همانجا).
۱۳. زکریا قزوینی در اوایل قرن هفتم هجری و اندکی قبل از هجوم مغولان آورده است: «...ساوه شهری است نیکو... در این شهر رباطها، مدرسه‌های دایری وجود دارد. طاق ایوان مسجد جامع آن همانند ایوان کسری بسیار رفیع و با شکوه است» (عبدالله گروسی، ج ۵، ص ۴۸۹؛ قزوینی، ص ۴۵۶).
۱۴. منابع تاریخی آورده‌اند که فرمانروایان سلجوقی با واگذاری زمین‌ها به اطرافیانشان زمینه تمرکز آن‌ها در این شهر را فراهم می‌نمودند (حسینی، صص ۱۱۸ و ۱۲۲؛ جلالی عزیزیان، ص ۹۲).
۱۵. از معروف‌ترین اتابکان، اتابک شیرگیر و اتابک گمشتگین جاندار می‌باشند.
۱۶. قزوینی در این خصوص آورده است: «...میان آبه و ساوه، نهری عظیم است و اتابک شیرگیر، پلی بر آن رودخانه بسته عظیم و هفتاد چشمه طاق دارد» (ص ۳۴۲).
۱۷. استاد باستان‌شناسی دانشگاه تهران.
۱۸. یکی از بزرگانی که به ساوه نسبت داده شده‌اند، خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمد بن حسن است که اصلش از جهرود ساوه است اما چون در طوس متولد گشته به طوسی اشتهار یافته است (رازی، ج ۲، صص ۱۰۹۸-۱۰۹۷).
۱۹. خواجه سعدالدین ساوجی این وزیر لایق به فرمان‌گازان خان (۷۰۳-۶۵۰ هجری) کشته شد.
۲۰. حمدالله مستوفی در این خصوص آورده است: «...در این عهد خرابی به حال باروی او راه یافته بود، صاحب سعید خواجه ظهیرالدین علی بن ملک شرفالدین ساوجی طاب ثراهما آن را عمارت کرد و آجرفرش ساخت. ...دور آن قریب چهار ذراع خلقی بود...» (مستوفی قزوینی، نزهةالقلوب، ص ۶۲).
۲۱. میرخواند می‌نویسد: «... میرزا ابابکر در سال ۸۰۹ هجری... شهر ساوه را بگرفت و غارت کرد و کردستان را نیز غارت کرد و ...» (ص ۱۱۳۷).

- بی تردید دخالت حکمرانان ساوه در کشمکش‌های دربار آق‌قویونلوها می‌توانست آخرین رمق ساکنان شهر را نیز گرفته باشد (اعتمادالسلطنه، مرآةالبلدان، ج ۱، ص ۶۶۵؛ خنجی اصفهانی، صص ۱۵۸، ۲۰۰، ۲۰۳ و ۲۰۴).
۲۲. او متولد ساوه است و از شعرای مشهور قرن نهم هجری است و صاحب دیوانی مشتمل بر هزار بیت غزلیات عاشقانه می‌باشد (رازی، ج ۲، ص ۱۱۰۵).
۲۳. ظریفی ساوجی در ساوه به دنیا آمد و در قرن دهم هجری، در همان شهر نشو و نما یافت. در روزگار شاه طهماسب به کاشان رفت و پس از چندی از آنجا رهسپار هندوستان شد و قریب شانزده سال در آن سامان از ملازمان اکبرشاه (۱۰۱۴-۹۶۳ هـ) بود.
۲۴. این ایلات که درحقیقت قوای نظامی حاکمیت بودند، در نواحی مجاور پایتخت سکنی می‌گزیدند (سیفی فمی تفرشی، ص ۱۹).
۲۵. شاهان صفوی نیز همانند شاهان سلسله‌های قبل، از ساوه به‌عنوان شکارگاه شاهی نیز استفاده می‌کردند (حسینی قمی، ج ۱، صص ۱۱۶-۱۱۵؛ جُنّابدی، ص ۳۱۳؛ تتوی و قزوینی، ص ۳۵۹؛ اعتمادالسلطنه، تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم، ص ۲۱۲).
۲۶. آنچنان‌که شاه اسماعیل در ابتدای سال ۹۱۹ هـ ق به منظور پیشگیری از تعرض ازبکان از اصفهان متوجه آن طرف شد و در ساوه حکم کرد که سپاهیان آذوقه سه‌ماه بردارند و کوچ بر کوچ به بیلاق فیروزکوه رفت (تتوی و قزوینی، ص ۳۵۹).
۲۷. مناطقی نظیر مازندران و گیلان و شهرهایی مانند اصفهان، یزد و ساوه از املاک خاصه شاهی به شمار می‌آمدند (کمپفر، ص ۱۱۱؛ میرزا سمیعا، بخش ۲، ص ۱۸۵).
۲۸. این بنا به شماره ۱۵۶ به ثبت آثار ملی رسیده و در پرونده ثبتی به دوره سلجوقی نسبت داده شده است، لیکن مطالعات مرحوم مهندس مهریار قدمت آن را تا قرون اولیه اسلامی به عقب برده است (مهریار و دیگران، ج ۲، صص ۸۱۲-۷۶۰).
۲۹. سال ۹۳۶ هـ ق تاریخی است که بر انتهای کتیبه کاشی ایوان جنوبی و در بدنه شرقی بالای ایوان نوشته شده است (مهریار و دیگران، ج ۲، ص ۷۶۶)، که حکایت از زمان احداث این ایوان در سال ۹۳۶ هـ ق یعنی زمان حکومت شاه طهماسب صفوی دارد (فراهانی، ص ۲۷).
۳۰. بر سردر ورودی این مسجد تاریخ اتمام بنای مسجد نوشته شده است: فی شهر رجب سنه اربع و عشر و تسعمائة ۹۱۴.
۳۱. خواجه شمس‌الدوله پیر محمد ساوجی از حاکمان و امیران بلند قدر دولت شاه اسماعیل بهادرخان صفوی بوده که در آبادی و عمران ساوه کوشیده است (ذکایی ساوجی، حاکمان ساوه در طول تاریخ، ص ۱۴۷).
۳۲. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به مقاله «شهرهای مازندران در راهبرد ملی صفویان، مطالعه موردی: فرح‌آباد ساری» (کریمیان و تقوی، صص ۸۲-۶۹).
۳۳. به‌طور تقریب، اواخر حکومت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ هـ ق).
۳۴. آدام اولاریوس (Adam Olearius) به عنوان دبیر سفیر آلمان در ۱۶۳۷ م. / ۱۰۴۶ هـ ق، از طریق اردبیل، سلطانیه، ساوه، قم به اصفهان پایتخت ایران وارد شد و به سیاحت پرداخت.

۳۵. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به مقاله «نقش بازرگانان در بافت تاریخی شهر یزد در عصر قاجار» (عزیزی و کریمیان، صص ۲۶۱-۲۳۱) و همچنین مقاله: «معضلات اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران عصر صفوی با استناد به فرمان‌های حکومتی منقور بر سنگ» (کریمیان و سادات، صص ۲۵۷-۱۸۳).
۳۶. او همان اروج‌بیگ بیات است که به‌عنوان عضو هیئت ایرانی به فرمان شاه عباس اول به سرپرستی حسینعلی‌بیگ بیات برای تحکیم روابط رهسپار اروپا شد.
۳۷. در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ه.ق).
۳۸. استاد باستانی پاریزی در این زمینه می‌گوید: «...علاوه بر این‌ها، بعضی محصولات در خود مملکت مصرف می‌شد مثل پوست بره فلغل‌نمکی‌رنگ ساوه که برای لباس به کار می‌رفت» (باستانی پاریزی، صص ۱۲۸-۱۲۶). جالب آنکه تاورنیه تاجر هلندی نیز از رونق تجارت پوست گوسفند قره‌گل در این شهر یاد می‌کند (تاورنیه، ص ۸۱).
۳۹. زمان شاه صفی صفوی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ه.ق).
۴۰. آنچه‌آنکه در منابع تاریخی آمده است، شدت این سیل آنچنان بود که تنها چند بنای تاریخی از جمله مسجد جامع آن باقی ماند و مناره آن هم متمایل گردید (فیض، ج ۲، ص ۱۱۳).
41. *Levant lettres edifiantes et curieuses ecrites des missions etrangeres*
۴۲. مقارن با حاکمیت شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵-۱۱۰۵ ه.ق).
43. *Marcel-August & Jane Dieulafoy*
- باستان‌شناسان فرانسوی که در ۱۸۸۱ م. / ۱۲۹۸ ه.ق در ایران بودند و سفرنامه آن‌ها با عنوان ایران، کلد و شوش در دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.
۴۴. «...در سنه ۱۲۹۳ ه.ق برابر با ۱۸۷۶ م.، ایالات قم، کاشان، ساوه و زرنند را ضمیمه حکمرانی حضرت اعظم شاهنشاه‌زاده والا امیرکبیر نایب‌السلطنه دولت علیه حکمران دارالخلافه فرمودند» (اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۹۶۵).
۴۵. بنگرید به: حموی، ج ثالث، ص ۱۷۹ و قزوینی، ص ۴۵۶.
۴۶. مراجعه شود به: فرهنگی، ج ۲، صص ۳۸۶-۳۸۴.
۴۷. بنگرید به: دیولافوا، ص ۱۹۸.
۴۸. مراجعه شود به: اعتمادالسلطنه، تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم، ص ۳۲۴.

منابع

- ابراهیمی شیرکوهی، احمد، سیری در ساوه، چاپ اول، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۹.
- ابن‌حوقل، محمد، سفرنامه ابن‌حوقل (ایران در «صورة الارض»)، ترجمه و توضیح جعفر شعار، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره‌چانلو، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.

- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، *تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولت‌های اسلامی*، ترجمه محمودوحید گلپایگانی، چاپ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- ابن عبدالرحمان، محمدمراد (مترجم و ادیب قرن یازدهم هجری)، *ترجمه آثار البلاد و اخبار العباد*، تصحیح سید محمد شاهمرادی، جلد دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق، *ترجمه مختصرالبلدان* (بخش مربوط به ایران)، ترجمه ح. مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، *تقویم‌البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- اذکائی، پرویز، «ساوه باستان»، *ساوه‌نامه (مجموعه مقالات مجمع تاریخ و فرهنگ ساوه)*، ساوه، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۱-۲۶، ۱۳۶۹.
- اشپولر، برتولد، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، جلد اول، چاپ ششم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
- اشپوهلر، ف.، «*قالیباقی و نساجی*»، در *تاریخ ایران (دوره صفویان)*، پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، جامی، صص ۳۷۳-۴۰۲، ۱۳۸۰.
- اشمیت، اریک. فردریش، *پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران*، ترجمه آرمان شیشه‌گر، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۶.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، *ممالک و مسالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۳.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *تاریخ منتظم ناصری*، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، جلد اول، چاپ اول، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- _____، *تاریخ منتظم ناصری*، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، جلد سوم، چاپ اول، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- _____، *مرآةالبلدان*، به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- _____، *مرآةالبلدان*، به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، جلد دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- _____، *مرآةالبلدان*، به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، جلد سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- _____، «*تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم*»، در *سفرنامه عراق عجم*، نوشته ناصرالدین شاه قاجار، به تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران، اطلاعات، صص ۱۶۹-۳۳۷، ۱۳۸۷.
- افشار سیستانی، ایرج، *پژوهش در نام شهرهای ایران*، چاپ اول، تهران، روزنه، ۱۳۷۸.
- الویری، محسن، *مروری بر جغرافیای تاریخی آوه (مهد تشیع در ایران)*، با مقدمه سید نورالله کسای، چاپ اول، تهران، امید دانش، ۱۳۸۰.

- امیرحسینی، خسرو، ساوه در گذر تاریخ (زرنديه- آوه- خرقان- نوبران)، چاپ اول، تهران، راز نهران، ۱۳۹۰.
- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم، فتوحات شاهی (تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ هق)، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر ملی، ۱۳۸۳.
- الثاریوس، آدام، سفرنامه آدام الثاریوس (بخش ایران)، ترجمه احمد بهپور، ویراسته ابرهارد مایسنر، چاپ اول، تهران، ابتکار، ۱۳۶۳.
- باربارو، جوزا، «ذیل سفرنامه جوزا باربارو»، در سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، چاپ اول، تهران، خوارزمی، صص ۱۱۳-۱۱۱، ۱۳۴۹.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران، صفی علیشاه، ۱۳۴۸.
- بلادری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- بلعمی، ابوعلی محمد، ترجمه تاریخ طبری (قسمت مربوط به ایران)، به اهتمام جواد مشکور، تهران، خیام، ۱۳۳۷.
- پطروشفسکی، آپ، «اوضاع اجتماعی- اقتصادی ایران در دوره ایلخانان»، در تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، گردآورنده: جی. آ. بویل، جلد پنجم، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر، صص ۴۷۸-۴۵۵، ۱۳۸۱.
- پوپ، آرتز. آپم، سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، ویراسته سیروس پرهام، جلد سوم، چاپ اول، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- پیرنیا، محمد کریم و افسر، کرامت‌الله، راه و ریاط، چاپ دوم، تهران، آرمین، ۱۳۷۰.
- تاجبخش، احمد، تاریخ صفویه (هنر و صنعت، ادبیات و علوم، سازمان‌ها)، جلد دوم، چاپ اول، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۷۸.
- تاورنیه، ژان باپتیست، سفرنامه تاورنیه، اصفهان، تأیید، ۱۳۳۶.
- تتوی، قاضی احمد و قزوینی، آصف‌خان، تاریخ الفی (تاریخ ایران و کشورهای همسایه در سال‌های ۹۸۴-۱۵۰ هق)، به تصحیح علی آل‌داود، چاپ اول، تهران، فکر روز، ۱۳۷۸.
- جلالی عزیزیان، حسن، آوه دومین کانون تشیع در تاریخ ایران، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹.
- جملی کارری، جیووانی فرانسسکو، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۸.
- جُنابدی، میرزا بیگ، روضة‌الصفویه (تاریخ دوره صفویه)، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، چاپ اول، تهران، موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۸.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال‌العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، به تعلیقات فیروز منصوری، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب (سال ۳۷۲ هق)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.

- حسینی قمی، قاضی احمد بن شرفالدین، *خلاصه‌التواریخ*، به تصحیح احسان اشراقی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- حسینی، صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی، *زبدة‌التواریخ (اخبار امرا و پادشاهان سلجوقی)*، به تصحیح محمد نورالدین، چاپ اول، تهران، ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۰.
- حکیم، محمدتقی ابن محمدهادی، *گنج دانش (جغرافیای تاریخی شهرهای ایران)*، با مقدمه عبد-الحسین نوائی، به اهتمام محمدعلی صوتی و جمشید کیان‌فر، تهران، زرین، ۱۳۶۶.
- خطیب‌شهیدی، حمید، «محوطه باستانی آوه»، *گزارش‌های باستان‌شناسی ۶*، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، صص ۲۰-۹، ۱۳۸۶.
- ختجی اصفهانی، فضل‌الله روزبهان، *تاریخ عالم‌آرای امینی (شرح حکمرانی سلاطین آق‌قویونلو و ظهور صفویان)*، تصحیح محمداکبر عشیق، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۲.
- درویل، گاسپار، *سفر در ایران (۱۱۹۱ هـ.ش)*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، چاپ اول، تهران، شبابیز، ۱۳۶۴.
- دسیلوا فیگوئرا، دن گارسیا، *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئرا (سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول)*، ترجمه غلامرضا سمیعی، چاپ اول، تهران، نو، ۱۳۶۳.
- دلواله، پیتر، *سفرنامه پیتر دلواله (قسمت مربوط به ایران)*، ترجمه و شرح و حواشی از شعاع الدین شفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- دوسرسی، کنت، *ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹ م. (۱۲۵۶-۱۲۵۵ هـ.ق) سفارت فوق‌العاده کنت دوسرسی*، ترجمه احسان اشراقی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- دیولافوا، مادام ژان، *سفرنامه مادام دیولافوا «ایران و کلد»*، ترجمه فره‌وشی (مترجم همایون سابق)، تهران، قصه‌پرداز، ۱۳۷۸.
- دیولافوا، مادام ژان؛ دونور، شوالیه لژیون؛ آکادمی، افسر، *ایران، کلد و شوش*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، به کوشش بهرام فره‌وشی، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- ذکایی ساوجی، مرتضی، «پژوهشی درباره سابقه تاریخی و معماری بنای قلعه دختر ساوه»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ارگ بیم-کرمان)، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۵۴۱-۵۲۳، ۱۳۷۴.
- _____، «بررسی نام ساوه در کتیبه یونانی پئوتینگریا»، *ویراسته مهدی مظفری ساوجی، نامه ساوه (مجموعه مقاله‌های ساوه‌پژوهی)*، مشهد، کردگاری، صص ۴۰-۳۵، ۱۳۸۶.
- _____، «حاکمان ساوه در طول تاریخ»، *ویراسته مهدی مظفری ساوجی، نامه ساوه (مجموعه مقاله‌های ساوه‌پژوهی)*، مشهد، کردگاری، صص ۱۴۹-۱۴۵، ۱۳۸۶.
- رازی، امین‌احمد، *تذکره هفت اقلیم*، به تصحیح محمدرضا طاهری «حسرت»، جلد دوم، تهران، سروش، ۱۳۷۸.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، *راحة‌الصدور و آية‌السرور در تاریخ آل سلجوق*، به سعی و تصحیح محمد اقبال، تهران، علی‌اکبر علمی، ۱۳۳۳.

- زنده‌دل، حسن؛ نوروزی، محرم؛ سلیمی، زهره؛ حکیمیان، امیرحسین و نجم‌الدین، محمدرضا، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی استان مرکزی، تهران، ایرانگردان، ۱۳۷۹.
- زنده‌دل، حسن، راهنمای ایرانگردی (استان‌ها و شهرها)، چاپ اول، تهران، ایرانگردان، ۱۳۸۴.
- سرفراز، علی‌اکبر و آورزمانی، فریدون، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- سیف‌الدوله، سلطان محمدمیرزا، سفرنامه سیف‌الدوله (معروف به سفرنامه مکه)، به تصحیح علی‌اکبر خداپرست، چاپ اول، تهران، نی، ۱۳۶۴.
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی، مروری بر جغرافیای تاریخی ساوه، چاپ اول، تهران، مجید، ۱۳۷۰.
- سیوری، راجر، م، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ اول، تهران، مرکز، ۱۳۷۲.
- شاردن، ژان، دائرةالمعارف تمدن ایران (سیاحت‌نامه شاردن)، ترجمه محمد عباسی، جلد سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶.
- شیل، لیدی، خاطرات لیدی شیل «همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه»، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ دوم، تهران، نو، ۱۳۶۸.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ‌نامه طبری، گردانیده منسوب به ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، به تصحیح و تحشیه محمد روشن، مجلد اول، چاپ اول، تهران، نو، ۱۳۶۶.
- عبدالله گروسی، عباس، «سیر تحولات تاریخی شهر ساوه»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، جلد پنجم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۴۹۶-۴۸۳، ۱۳۷۶.
- عزیزی، حمید و کریمیان، حسن، «نقش بازرگانان در بافت تاریخی شهر یزد در عصر قاجار»، تاریخ اسلام، سال شانزدهم، شماره اول، صص ۲۶۱-۲۳۱، ۱۳۹۴.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد، تاریخ جهان‌آرا، تهران، حافظ، ۱۳۴۳.
- فراهانی، ابوالفضل، مسجد جامع ساوه، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰.
- فرهنگی، عادل، «سیمای ایوان غربی مسجد جامع ساوه»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ارگ‌بم)، جلد دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۳۹۸-۳۸۰، ۱۳۷۴.
- فضل‌الله همدانی، خواجه رشیدالدین، جامع‌التواریخ (تاریخ آل سلجوق)، به تصحیح محمد روشن، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- فقیهی، علی‌اصغر، آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان (با نموداری از زندگی مردم در آن عصر)، گیلان، صبا، ۱۳۵۷.
- فلانندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلانندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ سوم، تهران، اشراقی، ۱۳۵۶ (۲۵۳۶).
- فووریه، ژوانس، سه سال در دربار ایران (۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ ه‍.ق)، ترجمه عباس اقبال، تهران، علی‌اکبر علمی و شرکا، ۱۳۲۶.
- فیض، عباس، گنجینه آثار قم، جلد دوم (قم و مشاهد)، چاپ اول، قم، مهر استوار، ۱۳۵۰.
- قاضیها، فاطمه، سفرهای ناصرالدین‌شاه به قم (۱۳۰۹-۱۲۶۶ ه‍.ق)، چاپ اول، تهران، سازمان اسناد ملی ایران «پژوهشکده اسناد»، ۱۳۸۱.

- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه با اضافات از جهانگیر میرزا قاجار، به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن سائب بن مالک اشعری قمی (از اعلام قرن چهارم)، *تاریخ قم*، ترجمه تاج‌الدین حسن خطیب بن بهاء‌الدین علی بن حسن بن عبدالملک قمی (در ۸۰۶-۸۰۵)، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، چاپ اول، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی^(ع) (گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی)، ۱۳۸۵.
- _____، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، به تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱.
- کریمان، حسین، قصران (کوهسران)، بخش نخستین، تهران، سلسله انتشارات آثار ملی، ۱۳۵۶ (۲۵۳۶).
- کریمی، فاطمه و کیانی، محمدیوسف، *هنر سفالگری دوره اسلامی ایران*، ویراسته عباس شریفی، چاپ اول، تهران، مرکز باستان‌شناسی ایران، ۱۳۶۴.
- کریمیان، حسن و تقوی، عابد، «شهرهای مازندران در راهبرد ملی صفویان، مطالعه موردی: فرح‌آباد ساری»، مجموعه مقالات همایش ملی چشم‌انداز باستان‌شناسی شمال کشور در دهه آینده، مؤسسه آموزش عالی مارلیک نوشهر، اول و آخر، صص ۸۲-۶۹، ۱۳۸۹.
- کریمیان، حسن و سادات، محبوبه، «معضلات اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران عصر صفوی با استناد به فرمان‌های حکومتی منقور بر سنگ»، فرهنگ، سال بیست و یکم، شماره چهارم، پیاپی ۶۸، صص ۲۵۷-۱۸۳، ۱۳۸۷.
- کشیشان ژزوئیت، *نامه‌های شگفت‌انگیز*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران، اندیشه جوان، ۱۳۷۰.
- کمپفر، انگلبرت، در *دربار شاهنشاه ایران*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.
- کنتارینی، آمبروسیو، *سفرنامه آمبروسیو کنتارینی*، ترجمه قدرت‌الله روشنی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.
- کیانی، محمدیوسف، «سیمای شهرهای ایران از دید جهانگردان»، در *نظر اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*، به کوشش محمدیوسف کیانی، چاپ اول، تهران، هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما)، صص ۴۵۷-۳۷۱، ۱۳۶۵.
- _____، *پیشینه سفال و سفالگری در ایران*، ویراسته پروین ترکمنی‌آذر، تهران، نسیم دانش، ۱۳۸۰.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود، *تاریخ گردیزی (۴۴۳-۴۴۲ هـ.ق)*، به تصحیح عبدالحی حبیبی، چاپ اول، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- لُرد گُرن، جرج، *ن، ایران و قضیه ایران*، ترجمه ع. وحید مازندرانی، جلد دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- لسترنج، گای، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی (بین‌النهرین، ایران و آسیای مرکزی از زمان مسلمین تا ایام تیمور)*، ترجمه محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.

- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر، *نزهة القلوب (المقالة الثالثة در وصف بلدان و ولايات و بقاع)*، به اهتمام و تصحیح گای لیسترنج، چاپ اول، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- _____ (در ۷۳۰ هـ.ق)، *تاریخ گزیده*، به اهتمام دکتر عبدالحسن نوائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹.
- مشکوتی، نصرت‌الله، *از سلاجقه تا صفویه*، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۳.
- مهریار، محمد؛ فرهنگی، عادل؛ مختاری، اسکندر، «سیر تحولات معماری مسجد جامع ساوه»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ارگ بم)، جلد دوم، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۸۱۲-۷۶۰، ۱۳۷۴.
- میراحمدی، مریم، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی*، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بلخی، *روضه الصفا، تهذیب و تلخیص دکتر عباس زریاب*، چاپ اول، تهران، علمی، ۱۳۷۳.
- میرزا سمیعا، محمدسمیع، *سازمان اداری حکومت صفوی با تعلیقات مینورسکی بر تذکرةالملوک*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به کوشش محمد دبیرسیاقی، بخش اول و دوم، ج. سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- میشائیل، ربرون کلاوس، *نظام ایالات در دوره صفویه*، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ سوم، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.
- مینورسکی، ولادیمیر، «شهر ساوه»، ترجمه مرتضی ذکایی، *نامه ساوه (مجموعه مقاله‌های ساوه-پژوهی)*، مشهد، کردگاری، صص ۲۳-۳۴، ۱۳۸۶.
- ناصرالدین‌شاه قاجار، «سفرنامه عراق عجم»، در *سفرنامه عراق عجم*، نوشته ناصرالدین‌شاه قاجار، به ضمیمه تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم، نوشته محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، به تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران، اطلاعات، صص ۱۵۸-۱۹، ۱۳۸۷.
- النرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصرالقبادی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.
- نیشابوری، خواجه امام ظهیرالدین، *سلجوقنامه با ذیل سلجوقنامه*، تألیف ابوحامد محمد بن ابراهیم، تهران، گلاله خاور، ۱۳۳۲.
- ورهرام، غلامرضا، *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*، چاپ اول، تهران، معین، ۱۳۸۵.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- حموی، شهاب‌الدین ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، المجلد الثالث، بیروت، دار صادر للطباعة و النشر، ۱۹۵۷ م.

Tomashcek, Wilhelm, *Zur Historischen Topographie Von Persien, Zu wein Band 102 und 108, Neudruk der Ausgaben von 1883 und 1885*, Biblio Verlag, Osnabrück, 1972.

نیرومند، حمیدرضا، «نمای نزدیک از قیز قلعه»، <http://savehsara.aftabgardan-cc.com>

12.04.2008